

حاج قاسم ما زنده است

یک سال پس از شهادت، حاج قاسم به الگوی ملی جوانان و

نوجوانان تبدیل شده است؟

مصطفی توفیقی

چه کسی باور می کند که یک سال از نبودن شما گذشته است؟ اصلا جایی هست که عطر شما نباشد؟ برای ما که عادت داشتیم کم‌دیدن شما را، که شما پدر! سفرهای سخت را برای راحت ما به جان خریده بودی، حالا شما زنده‌تر از همیشه ایستاده‌اید رویه‌روی ما که «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فی سَبیلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْیَاءٌ وَلَکِنْ لَا تَشْعُرُونَ»... یک سال پس از هجرت سردار شهید قاسم سلیمانی، به میان نوجوانان و جوانانی رفته‌ایم که باور ندارند امیرشان رفته است، که باور دارند هنوز زنده است و در میان دل و جانشان...

● الگوی صداقت و نجات‌برای نسل جوان

این گزارش نه از بیلبوردهای شهری، نه از صفحه تلویزیون، نه از صفحات روزنامه‌ها شروع می‌شود... در اتوبوس خط ۱۲ جایی که دو سمت مشهد را به هم وصل می کند، کوله‌پشتی رنگی رنگی دختری نوجوان، سر‌آغاز این گزارش است. پانزده‌شانزده‌ساله است و کوله‌پشتی‌اش را با پیکسل‌هایی از تصاویر کسانی که دوستش دارد، آذین کرده است، یک نویسنده، یک هنرمند، و یک شهید، شهید قاسم سلیمانی... «به هم بی‌ار تباط نیستند؟» نازنین مریم مهدوی جواب می‌دهد: «نه، چرا بی‌ربط؟»

– «خوب، ربطشان چه هست به هم؟»

– «علاقه! دوست داشتن! به نظر شما چیز کمی است؟» کنجکاو می‌شوم بدانم دختری در قواره او که لابد روزهایش را با موسیقی، هنر، ورزش، و شاید دوستانش می‌گذراند در کجای جهان ذهنی خودش به ملاقات شهیدسلیمانی می‌رود؟ «نسل ما آدم‌های یکرنگ زیادی برای دوست‌داشتن پیدا نمی‌کند. مادو تا خواهر و دو تا برادر هستیم با سلیقه‌های مختلف. سردار سلیمانی جزو معدود کسانی هستند که همه خانواده ما دوستشان دارند. روزی که خبر شهادتشان را دادند، همه خانه عزادار بودیم. یادم نمی‌آید که پیش از این جریان، همه ما با هم تا این حد سوگوار شده باشیم. فکر می‌کنم چیزی که همه ما را به ایشان علاقه‌مند یا وابسته می‌کند، صداقت و نجات‌ایشان بود. آدمی که می‌شد روی حرف‌هایش حساب کرد. نسل ما آدم‌های زیادی را به خاطر ندارد که بتوانند صداقت آن‌ها را الگو قرار دهد.»

● معلم شرافت و سلامت نفس

در قطار شهری، برای اینکه خاطرش را زنده‌بینم، لازم نیست چندین سر پیچ‌رخام. کافی است کمی کنجکاو باشم تا در میان صفحات گوشی‌های همراهی که مدام پیام می‌گیرند و روشن و خاموش می‌شوند، روی صفحه‌تبلت «محمدسعید جاهدی»، عکس سردار سلیمانی در میان گل‌ومرغ‌های اسلیمی که به‌دقت نقاشی شده‌اند، چشمم را به جمال شهید روشن‌کنند. عذرخواهی می‌کنم از اینکه چشمم به صفحه تبلتش افتاده (چه عذرخواهی ناشایانه‌ای!) و می‌پرسم: «یک سال است یک‌گرا‌ند گوشی‌ات را عوض نکرده‌ی؟» جواب می‌دهد: «بفرمایید چند سال! از وقتی این را خریده‌ام، عکس سردار را بیشتر از هر عکسی می‌بینم.» می‌گویم: «معمولا افراد عکس خانواده، دوست، آشنایی را می‌گذارند روی گوشی‌شان.» می‌گوید: «برای ما سردار هم پدر هست و هم برادر و هم رفیق.» و توضیح می‌دهد: «این گوشی را که خریدم با خودم عهد کردم که طوری از آن استفاده کنم که خدا و خانواده‌ام از من ناخشنود نباشند. تنه‌راهی که به‌نظم رسید، این بود که عکس سردار را بگذارم یک‌گرا‌ند تا هر‌بار ایشان را می‌بینم به من یادآوری شود که هر کاری می‌کنم باید به کجا نظر داشته باشم. راستش را بخواهی، از روی حاج‌قاسم خجالت می‌کشم نظر به چیزی بیندازم که شرم‌نده ایشان بشوم. معمولا استفاده بی‌هوده از گوشی نمی‌کنم. چون هر‌بار حاج قاسم به من یادآوری می‌کند مقدر برای ما از همه خوشی‌ها و آسودگی‌هایش گذشت و لحظه‌ای را برای خدمت شرافتمندانه به مردمش از دست نداد.»

● سردار دل‌ها و جان‌ها

در مغازه‌ها، کلاس‌های درس، پارک‌ها، فروشگاه‌ها، در همه‌جا... اصلا شما گزارشگر این گزارش بشوید. بیایید با هم ببرسیم، با هم به جست‌وجو برویم... حرف یکی است: حاج‌قاسم اینجاست. زنده است، زنده‌تر از همیشه. دارد با ما زندگی می‌کند. در یک بویک لباس‌فروشی، فروشنده عکس حاج‌قاسم را که توی دخلش، قایم کرده است، نشانم می‌دهد: «همه چیز گفتنی و نشان‌دانی نیست. بعضی چیزها برای این است که یادمان نرود کجا ایستاده‌ایم. حالا من کاسب اینجا مر اقایم خون شهدا را با کسب‌حرام پایمال نکنم، آن یکی دیگر هم به نوع خودش.»

در نانواایی محل، محسن محامدی که عکس سردار را چسباینده روی دیوار مغازه، کنار عکس شهدای جنگ، می‌گوید: «هر کس که نانی می‌گیرد و دعایی می‌کند، در دل می‌گویم: اجرش برسد به روح پدرم و حاج‌قاسم، که من هم چه دارم از آن هابست.»

● این گزارش را شما ادامه دهید

در باره‌مردی که به‌خاطر اعتقادش، به‌خاطر مردمش، به‌خاطر دین و وطنش، تکه‌تکه شد و هر تکه‌اش در قلبی از قلب‌های ما جا ماند، به‌خاطر سپهبدی که روی سنگش نوشتند «سرباز ولایت»، به‌خاطر اینکه به هم یادآوری کنیم، در خانه‌ها، در خیابان‌ها، در شلوغی، در خلوت، این گزارش را شما ادامه بدهید...

حواس پرتی هنگام رانندگی ممنوع

چهار نوع حواس پرتی در هنگام رانندگی باعث بروز حوادث جرحی و فوتی می‌شود که عبارت‌تند از: حواس پرتی دیداری: زمانی است که شما حتی برای یک لحظه چشم از جاده‌بر می‌دارید. حواس پرتی شنیداری: زمانی است که توجه شما به آنچه به آن گوش می‌دهید جلب می‌شود. حواس پرتی فیزیکی: زمانی است که شما دست از فرمان بر می‌دارید. حواس پرتی شناختی: زمانی است که حواستان به رانندگی نیست که خطرناک‌ترین مورد برای وقوع سانحه رانندگی است.

شهر

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۱۳۹۱ دی ۱۲ جمعه ۱۳۹۱ شماره ۳۳۰

SHAHRAANNEWS.IR

۰۴

↓

جامعه

دردهای شنیدن

گرانی، کمبود باتری و پروتز کاشت حلزون، نگرانی مهم خانواده‌های فرزندان کم‌شنواست



تکتم جاوید

t.javid@shahranews.ir

✉



گزارش رهر

یادمان نمی‌آید از چه روزی و چه سالی، اولین کلمات به زبانمان آمد. همین حالا هم روز و شب حرف می‌زنیم و اهمیتی به چند و چونش نمی‌دهیم، انگار که امری بدیهی است. اما همین کار روزمره ساده ما برای خیلی پدرها و مادرها حسرت است و لحظه‌شماری می‌کنند تا روزی صدای سخن گفتن فرزندشان را بشنوند. برای آن کودکانی که از ثانیه تولد کم‌شنوایی دارند، وقت‌کنشی و از دست‌دادن زمان طلایی چهار سالگی هیچ توجیهی ندارد. والدینشان هر چه دارند، می‌گذارند تا کودکشان بشنود. اما این تنها دغدغه‌شان نیست. در دسرهای نگهداری از دستگاه و یافتن باتری‌ها با قیمت‌هایی که روز به روز افزایش می‌یابد و هزینه جلسات درمانی یعنی نگرانی این والدین تمام‌شدنی نیست.

● هزینه‌های کاشت ونوبت‌های طولانی

آمارها نشان می‌دهد بین هر هزار تولد، حدود پنج تا شش نوزاد با درجات مختلف کم‌شنوایی مواجه‌اند که از این تعداد، یک نفر از آن‌ها به کاشت حلزون شنوایی نیازمند است. این روزها با نعمت‌اجرای برنامه‌های غربالگری بدو تولد، کم‌شنوایی کودکان خیلی زود تشخیص داده می‌شود و برای جراحی کاشت حلزون یا استفاده از سمعک فرصت هست؛ البته اگر مشکلات دیگر بگذارند. اگر متقاضی کاشت دولتی باشید، باید حدود هخ‌میلیون تومان به حساب وزارتخانه بریزید و اگر بخواهید کمتر در صف انتظار بمانید، هزینه آزاد حدود ۲۵میلیون تومان است.

پیگیری کردن مراحل چندماهه تشکیل پرونده و ماهه‌ها یا یکی‌دو سال ماندن در صف نوبت جراحی کاشت یک‌طرف و در دسرهای بعدی خریدن باتری و تعمیر دستگاه‌ها زسوی دیگر، والدین بسیاری را مستأصل کرده است؛ دستگاه‌هایی که مشخص نیست باز کردن آن به دست چه کسانی صورت می‌گیرد.

● باتری کمپاب است

از دواچشان فامیلی بود. هستی که یک‌ماهه شد، از کم‌شنوایی‌اش مطمئن بودند؛ البته کم‌شنوایی متوسط که با استفاده دائمی از سمعک برطرف می‌شود و نیازی به کاشت پروتز حلزون نداشت. نجمه، مادر هستی، باینکه خدا را به‌خاطر تشخیص زودهنگام شاکر است، درباره مشکلات نگهداری از چنین کودک می‌گوید: «به سمعک نیاز به باتری دارد هم دستگاه کاشت. تا دو ماهه پیش، هر بسته شش تا بی باتری یک‌بار مصرف سمعک را ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان می‌خریدیم

که برای استفاده یک‌هفته کافی بود. اما در همین مدت قیمت‌ها به ۳۵ تا ۴۰ هزار تومان رسیده؛ هزینه باتری‌های کاشت هم خیلی بیشتر است.

● جلسات گفتاردرمانی و هزینه‌های خانواده

سخن گفتن یک کودک کم‌شنوا، چه درجه متوسط داشته باشد چه شدید، شبیه کودکان دیگر نیست؛ کودک کم‌شنوا پس‌از شروع استفاده از سمعک یا پس‌از کاشت حلزون باید کلاس‌های گفتاردرمانی را شروع کند و روند آهسته‌آموزش را گاهی تا چندین سال ادامه بدهد؛ «هر نیم‌ساعت جلسات گفتار در ماننی و توان بخشی ۵۰هزار تومان است و دست‌کم باید هفته‌ای یک‌بار انجام شود و این برای یک خانواده عادی با داشتن هزینه‌های دیگر، بسیار زیاد است.» مادر هستی این جمله را می‌گوید و با گلاویه از سازمان بهزیستی که هیچ‌کمی به خانواده‌ها نمی‌کند، ادامه می‌دهد: امسال بهزیستی طرحی گذاشته است که هزینه ۱۵ جلسه گفتاردرمانی را پرداخت می‌کند، به این شرط که ابتدا در جلسات شرکت کرده و هزینه را به‌طور کامل پرداخت کنید و بعد به‌دنبال دریافت آن از بهزیستی باشید؛ طبیعتاً برخی خانواده‌ها از خیر جلسات مهم گفتاردرمانی می‌گذرند.

به گفته او تنها کمک سازمان بهزیستی، فروش سالی شش بسته باتری به مبلغ ۲ تا ۳ هزار تومان به خانواده‌هاست؛ «اگر خیلی بگیریم شویم، کم سمعک هم می‌دهند؛ البته از یک برند معمولی، نه خوب.»

● ماهی ۷۰۰ هزار تومان هزینه باتری کاشت «مهدی یک سال و دو ماهه بود که برایش

کاشت حلزون انجام دادیم. اما در این پنج‌ماه همیشه برای پیدا کردن باتری یا مراقبت از خراب‌شدن دستگاه دلهره داشتیم.» خانم نادری یکی دیگر از والدینی است که درباره بخشی از مشکلات نگهداری کودک کم‌شنوا پای صحبتش می‌نشینیم. او می‌گوید: پروتز کاشت دو باتری لازم دارد و هر بسته باتری برای چهارروز کافی است. سال گذشته هر خشاب شش تا بی باتری این پروتزها را ۱۴ هزار تومان تهیه می‌کردیم. همه باتری‌ها وارداتی هستند و از بهمن سال گذشته تا یکی‌دوماه پیش، باتری وارد نمی‌شد و مجبور بودیم از باتری سمعک استفاده کنیم که شنوایی خوبی نداشت و به دستگاه هم آسیب وارد می‌کرد.

نداری حالا از قیمت ۷۰ هزار تومانی باتری‌های وارداتی جدید سخن می‌گوید؛ «مبلغ حدود ۲ میلیون و ۰۰۰ هزار تومان، تنها هزینه‌ای است که برای سه‌ماه باتری باید بپردازیم؛ یعنی ماهی ۷۰۰ هزار تومان. البته هنوز هم مطمئن نیستیم که قیمت‌ها ثابت بماند.»

در حال حاضر تنها سه شرکت در کشور، واردکننده انحصاری باتری، قطعات دستگاه‌ها و تعمیرات هستند. وی در این باره توضیح می‌دهد: برای شنوایی بسرم مجبور بودیم از باتری سمعک استفاده کنیم ولی اگر دستگاه خراب شود، به گفته مسئولان شرکت، قطعات یدکی وارد نمی‌شود و باید به‌مدت نامعلوم در نوبت بمانیم. هر کدام از شرکت‌ها هم به اعضای خود خدمات می‌دهند و هیچ سازمان و نهاد دیگری هم پاسخ‌گوی مشکل ما نیست.

● انحصار واردات و دراختیار ۳ شرکت است تنها سه شرکت آلتون شنوا، عرشیا گستر درمان و سهند طب درمان که دفتر آن‌ها در تهران است، واردکننده باتری و تجهیزات کاشت حلزون در کشور هستند. این انحصاری بودن باعث شده است بیماران، به‌ویژه آن‌ها که شهرستانی هستند، جز تماس با یک تلفن ثابت که اپراتوری پاسخ‌گوی آن است، شنونده دیگری نداشته باشند. به‌عنوان مادر یکی از بیماران با شرکت آلتون شنوا تماس می‌گیرم. خانمی که پشت خط پاسخ‌گوست، تأیید می‌کند که «چند ماه پیش باتری وارد نمی‌شد اما حالا با قیمت‌های جدید موجود است.» و اینکه تا موجودی انبار تمام نشده، هر چه زودتر باید سفارش بدهم. باتری کاشت حلزون «پاوران» شش عددی ۷۰ هزار تومان و باتری سمعک «اتیکن» ۵۹ هزار تومان به فروش می‌رسد. جای چانه‌زدن بر سر قیمت و دیگر برندهای باتری نیست؛ زیرا همین‌ها هم اگر دست نجنبانیم، تمام می‌شود.

پس از فشردن چندشماره روی تلفن، اپراتور شرکت عرشیاگستر درمان تأکید می‌کند که «اصلاً باتری سمعک وارد نمی‌کنیم.» و برای سفارش باتری کاشت هم باید مدل دقیق را بگویم. سوالات را با «بله» و «خیر» سریعی پاسخ می‌دهد که اگر مادر یکی از بیماران بودم، قطعاً از این بی‌توجهی رنجیده می‌شدم. شرکت سومی هم پس از مدت‌ها مشغولی، شبیه دوتای قبلی پاسخ می‌دهد؛ «فقط چند برند خاص و آن هم به مدت محدود.»

● بهزیستی نه اختیاری دارد و نه وظیفه‌ای خانواده‌های نیازمند یا دارای معلولیت،

شرایط بیماران شنوایی در گفت‌وگو با مدیر اجرایی مرکز کاشت حلزون خراسان رضوی

ماه‌ها در صف انتظار پروتز، تحریم و دیگر هیچ

افراد به‌نوبت تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند. به گفته دکتر طالع اگرچه تفاوت زیادی بین هزینه دولتی و آزاد وجود دارد، در حقیقت نرخ تمام‌شده واردات پروتز، عمل جراحی، پیگیری پس‌از عمل تا یک‌سال و موارد دیگر برای وزارت بهداشت، رقمی بالغ بر ۹۰میلیون تومان برای هر بیمار است. مدیر اجرایی مرکز کاشت حلزون خراسان رضوی با اشاره به مشکلات مالی بسیاری از خانواده‌ها، از خیرانی سخنی می‌گوید که همواره کنار این مرکز بوده‌اند. او می‌افزاید: از سال‌ها پیش که مرکز کاشت حلزونی در مشهد شروع به کار کرد، همواره خیران به یاری نیازمندان شتافته‌اند و حتی «بخشش» اولین خیریه کاشت حلزونی کشور، نیز در مشهد، خدمات‌رسانی به این بیماران را آغاز کرد.

سفارش و ارسال کالا خواهد شد. مدیر اجرایی مرکز کاشت حلزون خراسان رضوی درباره نگرانی والدین از ماندن در نوبت یک‌نوبم تا دوساله جراحی و سپری‌شدن زمان طلایی کاشت می‌گوید: در گذشته، زمان تشخیص کم‌شنوایی کودکان خیلی دیر بود و گاهی والدین در سه یا چهار سالگی متوجه این نقص می‌شدند اما اکنون با غربالگری بدو تولد، در صورتی که والدین روند درمان را دنبال کنند، اگر دو سال هم در نوبت بمانند، زمان کاشت حلزون دیر نیست و نباید از این نظر نگران باشند. هزینه دولتی جراحی پروتز کاشت غمیلیون تومان و هزینه آزاد برای کسانی که متقاضی سریع‌تر عمل جراحی هستند، ۲۵میلیون تومان است که به حساب وزارت بهداشت واریز می‌شود. سپس وزارتخانه پروتز را وارد می‌کند و

دستگاه و افزایش قیمت آن‌هاست. وی علت این مشکلات را این چنین توضیح می‌دهد: تا سال گذشته، ارز دولتی به باتری سمعک و حلزون تعلقی می‌گرفت اما چندماه‌ای است که با حذف آن و اختصاص ارز نیمایی، قیمت‌ها افزایش چندبرابری داشته‌است. وی معتقد است باتری برای این بیماران، حکم یک وسیله حیاتی را دارد و می‌افزاید: پروتز کاشت، باتری و قطعات، همگی وارداتی هستند اما زمان رسیدن آن به دست شرکت‌های سفارش دهنده به‌دلیل تحریم‌ها طولانی است. شرکت‌های ایرانی برای پرداخت هزینه سفارش‌ها باید از طریق کشور واسط دیگری عمل کنند و ارسال کالا هم به همین روش از طریق کشور دیگری انجام می‌شود و همین باعث هشت یا نه‌ماهه شدن فرایند

تا کسی‌های فعال اجازه رفت‌وآمد در محدودیت شبانه را دارند

سازمان و سپس ارسال آن به فرمانداری، مجوز تردد در سطح شهر در ساعات محدودیت شبانه را دریافت کرده‌اند و دیگر موارد در صورت حضور در این ساعات جریمه خواهند شد. او همچنین درباره تعداد آژانس‌های شهر مشهد به آمار بیش از هزار باب آژانس استناد می‌کند و اینکه «حدود ۲۰۰ عمود آن تحت نظارت سازمان تاکسی‌رانی هستند اما اینکه چه تعداد آن‌ها فعال یا غیرفعال هستند، به‌طور دقیق مشخص نیست.»

محمدیان تنها محدودیت‌های سازمان تاکسی‌رانی را برای خودروهای مجاز و رانندگان، محدودیت‌هایی می‌داند که شامل ضدغوفنی کردن ناوگان، فاصله اجتماعی در تردها و حضور افراد با ماسک در داخل خودروست.

خدمات ارائه نمی‌کنند؛ بنابراین مشمول این قانون نخواهند شد. هر خودرویی که در حوزه حمل‌ونقل عمومی فعال است، در این طرح قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه خانمی برای شکایت از جریمه به سازمان مراجعه کرد و عنوان می‌کرد که راننده سربوس مدارس است، درحالی‌که با تعطیلی مدارس، مدت‌هاست ارائه چنین خدمتی حذف شده‌است.

همایون محمدیان با اشاره به حضور ۱۳ هزار تاکسی در شهر مشهد، یادآوری می‌کند: تعداد خودروهای فعال مشهد، حدود ۹ هزار و ۵۰۰ دستگاه است و بقیه به دلایل مختلف غیرفعال هستند.

او می‌گوید: خودروهای تاکسی یا فعال در آژانس‌های محلی و اینترنتی با ارائه لیستی به

کار کردن ندارند؟» شهروند دیگری به نام عباسی در تماس با روزنامه تأکید می‌کند: «اگر قرار بوده فقط خودروهای عمومی در آن ساعت محدودیت تردد کنند، چرا بین تاکسی‌ها تفاوت قائل شدند؟ یکی از آشنایان ما که در آژانس کار می‌کند، جریمه شده است.»

سخنگوی سازمان تاکسی‌رانی شهرداری مشهد در پاسخ به ابهام شهروندان ضمن اعلام اینکه «آن دسته از آژانس‌هایی که فعال هستند و لیست تعداد و مشخصات خودروهایشان به سازمان اعلام شده، مشکلی برای ارائه خدمات ندارند» اضافه می‌کند: گلاویه‌ای از این افراد ناجاست. او می‌گوید: تعدادی از آنان، کسانی هستند که در گذشته در یک آژانس ثبت‌نام کرده‌اند اما

گروه جامعه

چند روز قبل از شروع ماه آذر بود که طرح محدودیت تردد شبانه خودروها و اصفاف برای شهر مشهد که در وضعیت قرمز قرار داشت، اعلام و پس از آن اجرایی شد. قرار شد شهروندان از ساعت ۲۱شب تا ۴صبح فردا در خانه بمانند، تنها برخی خودروهای دارای مجوز اجازه تردد یافتند از جمله تاکسی‌ها و برخی آژانس‌ها.

باوجوداین پیامک‌هایی مبنی بر گلایه شهروندان از جریمه‌شدن تاکسی‌های رفتنی به روزنامه رسیده است. یکی از شهروندان پرسیده است: «چرا فقط تاکسی‌های اینترنتی اجازه کار در ساعات محدودیت را دارند؟ مگر آژانس‌ها نیاز به